



ناترازی اصلی، ناترازی مدیریتی است

محمد منان رئیس، عضو کمیسیون عمران مجلس در گفت‌وگو با نوبنیاد: نرخ رشد جمعیتی با این شیوه مدیریت، تا ۵۰ سال دیگر جمعیت کشور نصف می‌شود. اگر چنین روندی ادامه پیدا کند، جوانی باقی نمی‌ماند که بخواهیم این زمین‌ها را برای آن نگه داریم. امروز با این میزان زمین، میلیون‌ها نفر به راحتی می‌توانند خانه‌دار شوند. حتی اگر قرار باشد جمعیت کشور دو برابر شود، از نظر تأمین زمین با مشکل مواجه نخواهیم بود. بخش قابل توجهی از آنچه مطرح می‌شود، سوءمدیریت و توجیه است. ناترازی اصلی کشور، ناترازی مدیریتی است؛ نه ناترازی آب و برق و ...

۵



«نوبنیاد» در آستانه حضور مسعود پزشکیان در سازمان ملل، بازخوانی می‌کند

هشدار امام شهید به رئیس جمهور

مسعود پزشکیان، رئیس جمهور کشورمان، در شرایطی عازم سفر به آمریکا جهت شرکت و سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد است، که دوباره سخنانی از سوی برخی از جریانات و چهره‌های غرب‌گرا درباره ضرورت دیدار پزشکیان و رئیس جمهور جنایتکار آمریکا در سازمان ملل متحد به جهت برداشته شدن تحریم‌ها مشاهده می‌شود. رهبر شهید انقلاب در اول مهرماه سال ۱۴۰۴ که پیش از سخنرانی پزشکیان در سازمان ملل ایراد شد، در این باره فرمودند که «مذاکره‌ی با دولت آمریکا، اولاً هیچ کمکی به منافع ملی ما نمیکند، هیچ سودی برای ما ندارد، هیچ ضرری را هم از ما دفع نخواهد کرد؛ یعنی کاری است بدون سود، بدون اینکه برای کشور فایده‌ای داشته باشد، بدون اینکه ضرری را دفع کند؛ مطلقاً چنین تأثیری ندارد. این اولاً. ثانیاً بعکس، زیان‌هایی هم بر آن مترتب است.»

۲



۷ نگرانی از تکرار مواضع نسنجیده و خطرناک

۶ جهان در حال عبور از نیویورک



چرا دولت پزشکیان برای مدیریت انرژی، تقویم را ورق می‌زند؟

دولت تعطیلات

۴

آیت الله شبیری زنجانی به ملکوت اعلی پیوست

رحلت فقیه پارسا

۳



نصیحت یمنی، سفر آمریکایی

امیرحسین درکی
روزنامه‌نگار

در شرایطی که پسر پزشکیان در اظهاراتی توهین آمیز مردم ایران را به نصف کردن هزینه‌های زندگی و پرهیز از سفر توصیه کرده، خبرهای رسیده حکایت از آن دارد که ویزای زهرا پزشکیان دختر و حسن مجیدی داماد پزشکیان صادر شده و فرزند و داماد رئیس جمهور نیز در سفر نیویورک رئیس جمهور همراه وی خواهند بود. حضور فرزندان و بستگان مسعود پزشکیان در سفرهای داخلی و خارجی و در مواردی بازارگردی‌های زهرا پزشکیان همواره مورد انتقاد رسانه‌ها و مردم در دو سال اخیر قرار داشت.

متن کامل در صفحه ۲

صفحه ۳

سیاسی

صفحه ۱

فرهنگی

فقط جانفداها صرفه جویی کنند!

مرور مواضع برخی از مقامات ارشد و میانی دولت چهاردهم درباره ملت مبعوث شده جانفدا و تجمعات اقتدارآفرین شبانه نشان می‌دهد دولتی‌ها چگونه که باید و شاید با این نهضت همراه نبوده و با طرح مواضع نسنجیده عملاً وحدت اجتماعی و سرمایه مردمی دولت را خدشه‌دار کرده‌اند.

هالیوود و ایران؛ روایت یک شکست!

داستان درباره گروهی از مأموران سابق سیا است که بعد از شکست در افغانستان، برای عملیاتی پرمخاطره در تهران دست به کار می‌شوند. اما ماجرا همین‌جا تمام نمی‌شود؛ مایکل بی هم فیلمی درباره عملیات نجات دو خلبان آمریکایی در جنگ دوازده روزه ایران و اسرائیل در دست ساخت دارد.

«نوبنیاد» در آستانه حضور مسعود پزشکیان در سازمان ملل، بازخوانی می کند

هشدار امام شهید به رئیس جمهور

سخنرانی پزشکیان در سازمان ملل ایراد شد، در این باره فرمودند که «مذاکره‌ی با دولت آمریکا، اولاً هیچ کمکی به منافع ملی ما نمیکند، هیچ سودی برای ما ندارد، هیچ ضرری را هم از ما دفع نخواهد کرد؛ یعنی کاری است بدون سود، بدون اینکه برای کشور فایده‌ای داشته باشید، بدون اینکه ضرری را دفع کند؛ مطلقاً چنین تأثیری ندارد. این اولاً. ثانیاً بعکس، زیانهایی هم بر آن مترتب است.»

مسعود پزشکیان، رئیس جمهور کشورمان، در شرایطی عازم سفر به آمریکا جهت شرکت و سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد است، که دوباره سخنانی از سوی برخی از جریان‌ها و چهره‌های غربی‌گرا درباره ضرورت دیدار پزشکیان و رئیس جمهور جنایتکار آمریکا در سازمان ملل متحد به جهت برداشته شدن تحریم‌ها مشاهده می‌شود. رهبر شهید انقلاب در اول مهرماه سال ۱۴۰۴ که پیش از



مقابل ما در همه چیز خُلف وعده میکند، در همه چیز دروغ میگوید، فریب اعمال میکند؛ وقت و بی وقت تهدید نظامی میکند؛ اگر دستشان برسد، اشخاص را ترور میکنند، همچنان که سردار شهید مارا، شهید سلیمانی را ترور کردند؛ یا مراکز هسته‌ای را بمباران میکنند؛ اگر بتوانند از این کارها میکنند. طرف یک چنین وضعیتی دارد؛ با این طرف نمیشود مذاکره کرد، نمیشود با اطمینان و اعتماد نشست و حرف زد و حرف شنید و قرار گذاشت.

«به نظر من مذاکره‌ی با آمریکا برای مسئله‌ی هسته‌ای و شاید برای مسائل دیگر، بن بست محض است؛ یعنی هیچ راه درستی وجود ندارد برای اینها، بن بست محض است. فکر کنند، ببینند. البته برای او مفید است؛ این مذاکره برای آن رئیس جمهور فعلی آمریکا مفید است؛ او سرش را بالا خواهد گرفت، خواهد گفت من ایران را تهدید کردم و او را آوردم پای میز مذاکره نشاندیم؛ او در دنیا از این افتخارات میکند. اما برای ما ضرر محض است و هیچ فایده‌ای برای ما ندارد.»

گفتنی است که روح‌اللمجمعه‌ای، مشاور وزیر کشور در دولت روحانی، درباره سفر پزشکیان به نیویورک در حساب کاربری خود از پزشکیان درخواست کرده است که «پاسخ به درخواست احتمالی برای دیدار مستقیم، ولو سرپایی با ترامپ خودشیفته و عکس باخته را بیشتر بررسی کنید و حتی رد نکنید!» وی درباره همین مسئله نوشت: «مگر خالد بن ولید که در أحد دستانش به خون حمزه سیدالشهدا و ده‌ها یار پیامبر آغشته بود و سهمگین‌ترین شکست را بر پیامبر اسلام وارد کرد، برای حفظ ساختار نوپای اسلام بخشیده نشد؟» پیش از این نیز مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی در برنامه تلویزیونی جهان‌آرا مدعی شده بود «اگر آقای روحانی و ترامپ با یکدیگر دیدار کنند، تحریم‌ها لغو خواهد شد»

مذاکره ضرر دارد، مهم تر است. طرف تهدید کرده که اگر مذاکره نکنید، چنین و چنان خواهد شد، بمباران میکنیم، چه میکنیم؛ از این حرفها؛ یک خرده مبهم، یک خرده صریح؛ یعنی تهدید؛ یا مذاکره کنید یا اگر مذاکره نکردید، چنین و چنان خواهد شد! این تهدید است. خب قبول چنین مذاکره‌ای نشانه‌ی تهدیدپذیری ایران اسلامی است. اگر چنانچه شما با این تهدید رفتید مذاکره کردید، معنایش این است که ما در مقابل هر تهدیدی فوراً می‌ترسیم، می‌لرزم و تسلیم طرف مقابل میشویم؛ معنایش این است. این تهدیدپذیری اگر به وجود آمد، دیگر انتها نخواهد داشت.» «قبول مذاکره‌ای را که با تهدید همراه است، هیچ ملت باشرقی انجام نمیدهد، هیچ سیاستمدار خردمندی هم آن را تصدیق نمیکند.»

رهبر شهید انقلاب همچنین درباره وعده های دروغ طرف آمریکایی درباره مذاکره با آمریکا فرمودند: «طرف مقابل هم البته حالا ممکن است بگوید من در مقابل این، فلان امتیاز را هم به شما میدهم؛ دروغ میگویند؛ آنچه میگویند به عنوان امتیاز میدهم، دروغ است. ده سال قبل از این، ما یک قراردادی با آمریکایی‌ها بستیم که اسمش در داخل کشور ما «برجام» است» رهبر شهید انقلاب تأکید کردند: «اگر چنانچه شما با طرف مقابل مذاکره کنید و آنچه را او می‌خواهد قبول کنید که خب، این تسلیم و ضعف کشور و نابود کردن شرف یک ملت است؛ اگر تهدید او را که با تهدید دارد با شما حرف میزند، قبول کردید، این جوری است، اگر قبول نکردید میشوید مثل حالا که باز همان دعوا و همان [مسئله‌ها هست]. بنابراین مذاکره، مذاکره‌ی درستی نیست. تجربه‌ها را فراموش نکنیم، این تجربه‌ی ده سال گذشته را فراموش نکنیم. آن که محل کلام ما است، آمریکا است؛ حالا فعلاً با اروپا مسئله‌ای نمیخواهم مطرح کنم.» ایشان تصریح داشتند: «این طرف

جعفر کاظمی

روزنامه نگار

رهبر شهید انقلاب درباره مذاکره با آمریکا در اول مهرماه ۱۴۰۴ فرمودند: «مذاکره‌ی با دولت آمریکا، اولاً هیچ کمکی به منافع ملی ما نمیکند، هیچ سودی برای ما ندارد، هیچ ضرری را هم از ما دفع نخواهد کرد؛ یعنی کاری است بدون سود، بدون اینکه برای کشور فایده‌ای داشته باشد، بدون اینکه ضرری را دفع کند؛ مطلقاً چنین تأثیری ندارد.»

ایشان همچنین درباره بی نتیجه بودن مذاکره با آمریکا تأکید کردند: «اینکه می‌گوییم به سود ما نیست، برای ما فایده‌ای ندارد، چون طرف آمریکایی پیشاپیش خودش نتیجه‌ی مذاکرات را معین کرده؛ یعنی اعلام کرده که مذاکره‌ای را قبول دارد و می‌خواهد مذاکره‌ای بکند که نتیجه‌ی آن مذاکره، تعطیل شدن فعالیت‌های هسته‌ای و غنی سازی در کشور ایران باشد. یعنی بنشینیم پشت میز مذاکره‌ی با آمریکا و نتیجه‌ی گفتگوهایی که با آنها خواهیم کرد، حرفی باشد که او گفته (باید انجام بگیرد)! این که دیگر مذاکره نیست؛ این دیکته است، این تحمیل است؛ بنشین مذاکره کن با یک طرفی که نتیجه‌ی آن مذاکره الزاماً باید همان چیزی باشد که او می‌خواهد، همان چیزی باشد که او میگوید! این مذاکره است؟» ایشان افزودند: «یعنی ایران آن چنان دستش بسته و خالی باشد که اگر چنانچه به او تعرض شد، حتی به این پایگاه آمریکایی در عراق یا در فلان جا هم نتواند جوابی بدهد و پاسخی بدهد؛ معنای این حرف این است؛ مذاکره کنیم تا این نتیجه به وجود بیاید! خب این سود نیست»

رهبر شهید انقلاب درباره ضررهای مذاکره با آمریکا که در شرایط کنونی نیز رئیس جمهور آمریکا روی به رعب و وحشت افکنی آورده است، تصریح داشتند: «اینکه

یادداشت

نصیحت یمنی، سفر آمریکایی

امیرحسین درکی
روزنامه نگار

در شرایطی که پسر پزشکیان در اظهاراتی توهین آمیز مردم ایران را به نصف کردن هزینه های زندگی و پرهیز از سفر توصیه کرده، خبرهای رسیده حکایت از آن دارد که ویزای زهرا پزشکیان دختر و حسن مجیدی داماد پزشکیان صادر شده و فرزند و داماد رئیس جمهور نیز در سفر نیویورک رئیس جمهور همراه وی خواهند بود. حضور فرزندان و بستگان مسعود پزشکیان در سفرهای داخلی و خارجی و در مواردی بازارگردی‌های زهرا پزشکیان همواره مورد انتقاد رسانه‌ها و مردم در دو سال اخیر قرار داشت. در خصوص سفر نیویورک نیز پزشکیان ترجیح داده این رویه را ادامه دهد. در حالی که آمریکا در اقدامی توهین آمیز از لیست حدوداً ۱۰۰ نفر ارسالی نهاد ریاست جمهوری، تنها ویزای رئیس جمهور، رئیس دفتری، معاون و مدیرکل تشریفات ریاست جمهوری، دختر و داماد پزشکیان و تعدادی از تیم حفاظت وی را صادر کرده است. این نوع کنش‌گری خانواده پزشکیان علاوه بر اینکه در تضاد با رویه بستگان عمده مسئولان و روسای دولت‌های ادوار جمهوری اسلامی بوده است، با مواضع اخیر پسر پرچاشیه رئیس دولت نیز نمی‌خواند! یوسف پزشکیان فرزند رئیس جمهور، روز پنجشنبه ۱۶ شهریورماه و در آستانه ۲۰۰ امین شب اجتماعات شبانه مردمی، در پستی توهین آمیز خطاب به مردم مبعوث شده خیابان نوشته بود: «شما که مدعی هستین پشت‌تاز بشین. مثل مردم یمن زندگی کنین. یارانه نگیرین، از برق سراسری استفاده نکنین، هزینه‌های زندگی‌تان را نصف کنین، سفر نکنین، جز به ضرورت از هیچ خودرویی استفاده نکنین. اگر همین مردم جانفدا بتوانند هزینه زندگی خود را نصف کنند دولت هم زبانش در مقابل دشمنان دراز می‌شود. نمی‌شود از وضعیت معیشت و اقتصاد و زندگی ناله و شکایت کرد و از طرف دیگر گفت که بزنید به دهان فلانی و فلانی.» انتظار می‌رود همچنانکه بسیاری از نمایندگان مجلس و شخصیت‌های سیاسی به رئیس دولت توصیه کرده‌اند، پزشکیان هم جلوی مواضع شاذ پسرش را بگیرد و هم در همراهی اعضای خانواده و بستگان در سفرهای داخلی و خارجی تجدیدنظر نماید؛ مخصوصاً که شرایط وخیم اقتصادی این نوع رویکرد را برای عموم مردم سخت‌تر و شکننده‌تر خواهد کرد.

خبر کوتاه

انتقاد محصولی از اظهارات اخیر قائم‌پناه و یوسف پزشکیان

صادق محصولی دبیرکل جبهه پایداری با اشاره به نشست اخیر خود با رئیس جمهور نوشت: در نشستی که به دعوت سردار محسن رضایی دبیرشمام در حضور ریاست محترم جمهور جهت هم‌اندیشی برای هم‌افزایی ظرفیت‌های ملی در مقابله با جنگ ترکیبی دشمن شرکت و نکاتی را مطرح و نمودم. در بخشی از این نوشته آمده است:

۱- لزوم اعتقاد دولتمردان به اقتصاد مقاومتی و بیان مواردی که خلاف آن صورت می‌گیرد. ۲- ضرورت پیگیری جدی برگرداندن حدود ۱۰۰ میلیارد دلار ارز صادراتی و لزوم تشکیل کمیته ویژه با ریاست معاون اول رئیس جمهور برای حصول نتیجه. ۳- لزوم گسترش و افزایش ظرفیت بندرهای شمالی کشور و حمل ریلی جهت مقابله با محاصره بنادر جنوبی ۴- لزوم مراقبت مسئولین در مصاحبه‌ها و اظهارات که بعضاً با ارسال پالس ضعف یا ایجاد تشویش و برخلاف انسجام ملی صورت می‌گیرد. ۵- انتقاد از اظهارات اخیر معاون اجرایی و آقازاده رئیس جمهور که برخلاف وحدت و در تقابل با ملت مبعوث صورت گرفت. ۶- ضرورت توجه جدی رئیس جمهور محترم به مقوله امر به معروف و نهی از منکر و موضوع عفاف و حجاب در جامعه و وظایف دولت در این زمینه ۷- لزوم ارائه اطلاعات و آمارهای صحیح به دولتمردان جهت تصمیم‌گیری مناسب.

خبر کوتاه

آیت الله شبیری زنجانی
به ملکوت اعلی پیوست

روز گذشته روح مطهر فقیه اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و مرجع عالی قدر جهان تشیع، آیت الله العظمی شبیری زنجانی به لقا پیاپیوست. دفتر آیت الله العظمی شبیری زنجانی روز دوشنبه ۳۰ مهرماه با صدور اطلاعیه‌ای، درگذشت این مرجع تقلید را اعلام کرد. قابل ذکر است که مراسم تشییع و تدفین آیت الله العظمی شبیری زنجانی، مرجع عالیقدر شیعه، روز چهارشنبه اول مهر در قم برگزار می شود.

طعم شکست های بیشتر را به
متجاوزان خواهیم چشاند

روز گذشته ستاد کل نیروهای مسلح و قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا (ص) در بیانیه‌ای به مناسبت هفته دفاع مقدس تأکید کرد که نیروهای مسلح در حفظ منافع ملی، حقوق ملت و تمامیت ارضی ایران کوتاه نخواهند آمد و طعم تلخ شکست های بیشتر را به متجاوزان آمریکایی و صهیونیستی و هم پیمانان آن ها خواهند چشاند.

خضریان: کشتی های جنگی آمریکا
جایی برای پهلوگیری در منطقه ندارند

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی گفت: بیش از دویست شب از دفاع مقدس سوم ملت بزرگ ایران می گذرد و دشمن آمریکایی- صهیونی هر روز مستأصل تر از گذشته می شود؛ لذا برخی لایه های نفوذی دشمن در داخل کشور فعال شده و در جهت کاهش تاب آوری مردم و ایجاد خطای محاسباتی در مسئولان و ایجاد پنجره خروج برای دشمن در حال تلاش هستند.

وی افزود: این در حالی است که حملات کوبنده و برنامه ریزی شده جمهوری اسلامی ایران که در پاسخ به تجاوزات دشمن در جنگ تحمیلی سوم به پایگاه های آمریکا صورت گرفته است، مناطق استقرار نیروهای آمریکایی در سطح منطقه و ایستگاه های زمینی راداری، فرماندهی و کنترل آنها را تا حد زیادی از بین برده است.

خضریان تأکید کرد: برخلاف تبلیغات دشمن در موضوع محاصره دریایی، فروش نفت ایران در طول دوران جنگ تحمیلی ادامه پیدا کرده و همچنان نیز ادامه دارد؛ و امروز این کشتی های جنگی آمریکایی هستند که جایی برای پهلوگیری در سطح منطقه ندارند و این امر تدارکات آنها را به طور جدی خطر انداخته است. خبر مهم تر که ان شاء الله آور آینده ای نزدیک موجبات تغییرات مهمی در جنگ تحمیلی سوم خواهد شد این است که آزمایش شلیک به شناورهای رزمی آمریکایی از سوی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران آغاز شده و دشمن خوب می داند که ایران به زودی توان شلیک به ناوهای هواپیمابر او را نیز خواهد داشت.

بجای طلبکاری باید درباره عملکرد
زیان بار ۸ ساله به مردم پاسخگو باشید

تاج، نماینده مجلس شورای اسلامی در واکنش به اظهارات اخیر روحانی و طی تذکری به پزشکيان اظهار داشت: حسن روحانی نمی دانی کشور در مقام دفاع است؟! چرا از حلقوم ات حرف های دشمن شاد کن به گوش می رسد؟ بجای طلبکاری باید درباره عملکرد زیان بار ۸ ساله به مردم پاسخگو باشید! نماینده مردم بابل در مجلس همچنین خطاب به رئیس جمهور گفت: استفاده از کلمات نمیشود، نمیتوانیم و نداریم و آه و ناله را در برابر مردم شایسته رئیس جمهور نمی باشد. شنیدن صداهای خارج از چارچوب از سوی برخی اعضای هیات دولت و نزدیکان جناب عالی نیازمند تذکر جدی شما می باشد.



مروری بر مواضع قابل تامل مقامات دولتی و رئیس جمهور درباره مردم جانفدا و تجمعات شبانه

فقط جانفداها
صرفه جویی کنند!

امیرحسین درکی
روزنامه نگار

اظهار نظر، در سخنرانی دیگر تلاش کرد کم اثر نشان دادن اجتماعات شبانه را جبران کند و به تمجید از ملت مبعوث پرداخت. با این حال اخیراً در جریان حضور در رزمایش جانفدا در تهران، دوباره پزشکيان مردم جانفدا را خطاب قرار داد و با ادبیات مشابه پسرش یوسف گفت: مردم جانفدا صرفه جویی و به اندازه کافی بنزین، گاز و برق مصرف کنند. ما باید مصرف گاز خود را کنترل کنیم تا چرخ کارخانه ها بچرخد.

یوسف پزشکيان اخیراً با ادبیات نامناسبی خطاب به مردم مبعوث شده نوشته بود: «شما که مدعی هستین پیشتاز بشین. مثل مردم یمین زندگی کنین. یارانه نگیرین، از برق سراسری استفاده نکنین، هزینه های زندگی تان را نصف کنین، سفر نکنین، جزیه ضرورت از هیچ خود رویی استفاده نکنین. اگر همین مردم جانفدا بتوانند هزینه زندگی خود را نصف کنند دولت هم زبانش در مقابل دشمنان دراز می شود. نمی شود از وضعیت معیشت و اقتصاد و زندگی ناله و شکایت کرد و از طرف دیگر گفت که بنزین به دهان فلانی و فلانی.»

انتقام خبرگزاری های دولتی از جانفداها

رویکرد نه چندان مثبت دولت چهاردهم در قبال اجتماعات شبانه و مردم جانفدای ایران، پیش از این در مواردی چون نامه درز کرده از معاونت راهبردی ریاست

مرور مواضع برخی از مقامات ارشد و میانی دولت چهاردهم درباره ملت مبعوث شده جانفدا و تجمعات اقتدارآفرین شبانه نشان می دهد دولتی ها آنگونه که باید و شاید با این نهضت همراه نبوده و با طرح مواضع نسنجیده عملاً وحدت اجتماعی و سرمایه مردمی دولت را خدشه دار کرده اند. مواضع شاذ یوسف پزشکيان که بسیار حاشیه ساز شد، رویکرد برخی مدیران میانی و استانی دولت در قبال اجتماعات شبانه و اخیراً اصرار رئیس دولت بر خطاب قرار دادن مردم جانفدا برای کاهش هزینه ها که عملاً برداشتی مستقیم از مواضع پسرش بود، از جمله اینها است.

رزمایش ۳۱۳ هزار نفری مردم جانفدا روز جمعه گذشته با حضور صدها هزار نفری مردم پایتخت حد فاصل میدان امام حسین (ع) تا میدان انقلاب برگزار شد. از جمله موارد قبال توجه در خصوص این رزمایش، حضور مسعود پزشکيان در این مراسم و سان دیدن از گروه های مختلف نظامی و مردمی حاضر در رزمایش بود. این حضور، قابل تمجید بود و از سوی منتقدین نیز مورد استقبال قرار گرفت اما برخی مواضع دیگر رئیس دولت و بالتبع پسر پر حاشیه او یوسف پزشکيان قابل نقد است. رئیس دولت چهاردهم در مصاحبه تلویزیونی به مناسبت هفته دولت گفته بود: ایران را همه مردم با وحدت خود حفظ کرده اند؛ نه فقط مردمی که در خیابان ها هستند بلکه آنهایی که عقده ها و گله هایی نیز داشتند همراهی کردند و کار بزرگی انجام دادند. پزشکيان البته چند روز پس از این



ترمز بریده نقدینگی در دولت چهاردهم؛ همتی به چه می‌بالد؟



رئیس کل بانک مرکزی دولت چهاردهم روز گذشته با افتخار، از رشد ۱۹ درصدی نقدینگی در ۵ ماه نخست سال جاری خبر داد و آن را به «کشیده شدن ترمز رشد نقدینگی» تعبیر کرد. مباحثات عبدالناصر همتی به این آمار، تردیدهایی را درباره سواد ریاضی وی ایجاد کرده است. رشد ۱۹ درصدی نقدینگی در ۵ ماه، به معنای میانگین رشد ماهانه ۳،۵۴ درصد است. با فرض تداوم این نرخ رشد در ۷ ماه باقی مانده سال، رشد نقدینگی در کل سال جاری به ۵۲ درصد می‌رسد که پس از رشد ۵۳،۳ درصدی سال گذشته، بالاترین رشد نقدینگی در نیم‌قرن اخیر به‌شمار می‌رود. همچنین با احتساب رشد ۱۹ درصدی نقدینگی در ۵ ماه نخست امسال، حجم نقدینگی در پایان مرداد معادل ۱۸ هزار و ۵۴۱ هزار میلیارد تومان بوده که نسبت به مرداد سال گذشته، رشدی بیش از ۵۴ درصد

سابقه اظهارات همتی درباره سیاست‌های پولی دولت قبل توجه شود. دولت سیزدهم در حالی کار خود را در سال ۱۴۰۰ آغاز کرد که نرخ رشد نقدینگی حدود ۴۲ درصد بود. سه سال بعد در سال ۱۴۰۳، زمانی که همتی و هم‌فکرانش به پاستور رفتند، نرخ رشد نقدینگی به کمتر از ۳۰ درصد رسیده بود. با این حال، همتی در دوران استقرار دولت قبل، همواره منتقد سیاست‌ها و عملکرد اقتصادی دولت و به‌طور خاص سیاست پولی بانک مرکزی وقت بود. همتی در دوران دولت قبل، هنگامی که موفقیت بانک مرکزی در کاهش نرخ رشد نقدینگی را دید، برای تخریب این کارنامه، ادعای «کاهش حجم نقدینگی» را مطرح کرد و مدعی شد حجم نقدینگی کم شده و بانک مرکزی در کنترل رشد نقدینگی دچار افراط شده است!

را نشان می‌دهد. با این محاسبات، رشد ۱۹ درصدی نقدینگی در ۵ ماه نخست امسال به هیچ‌عنوان نشانه موفقیت همتی در کنترل رشد نقدینگی نیست و جای افتخاری ندارد. این روند پرشتاب از مرداد ۱۴۰۳ و تقریباً همزمان با شروع دولت پزشکیان شروع شد. از سوی دیگر، مقایسه این آمار با عملکرد ماه‌های مشابه سال‌های گذشته نیز اهمیت دارد. براساس آمارهای بانک مرکزی، رشد نقدینگی در پنج ماه نخست سال ۱۴۰۳ (پیش از آغاز به کار دولت چهاردهم) ۱۱،۷ درصد بوده است. این رقم در پنج ماه نخست سال ۱۴۰۲ نیز ۸،۱ درصد گزارش شده است؛ بنابراین رشد ۱۹ درصدی پنج‌ماهه در مقایسه با این دوره، رقم بسیار بالاتری محسوب می‌شود و نشانه مدیریت ضعیف ترک‌های پولی است. اهمیت این موضوع زمانی بیشتری می‌شود که به

چرا دولت پزشکیان برای مدیریت انرژی، تقویم را ورق می‌زند؟

دولت تعطیلات

کشورمان سال‌هاست با ناترازی انرژی دست و پنجه نرم می‌کند؛ بحرانی که ریشه در بی‌توجهی‌های گذشته به توسعه زیرساخت‌های تولید دارد. اکنون دولت چهاردهم برای کنترل مصرف، به تغییر ساعت کاری ادارات و تعطیلی‌های روی آورده است؛ راهکاری که اگرچه فشار شبکه را در کوتاه‌مدت کاهش می‌دهد، اما خود به چالشی برای اقتصاد و کیفیت خدمات‌رسانی تبدیل شده است. تکیه مداوم بر «تعطیلی» به جای اصلاح ساختاری و افزایش ظرفیت تولید، تنها پاک کردن صورت‌مسئله است و کشور بیش از «دولت تعطیلات» به «دولت برنامه» نیاز دارد.

اگر در سال ۱۴۰۴ ادارات برای عبور از پیک مصرف برق تعطیل شدند و در سال ۱۴۰۵ نیز تغییر ساعت فعالیت آن‌ها ادامه پیدا کند، مسئله دیگر فقط مدیریت یک تابستان گرم نیست، بلکه باید درباره ساختار تأمین و مصرف انرژی کشور سؤال کرد.

کاهش حضور کارکنان می‌تواند مصرف برق ساختمان‌های دولتی را کاهش دهد، اما هم‌زمان ممکن است مصرف انرژی خانوارها را افزایش دهد. از سوی دیگر، مراجعه مردم به دستگاه‌های اجرایی از ساعات محدودتر می‌شود و ممکن است تراکم مراجعه، کاهش کیفیت خدمات یا افزایش زمان انجام برخی امور را به دنبال داشته باشد. اکنون مسئله اصلی این نیست که کارکنان دولت از ساعت ۸ تا ۱۳ در محل کار حاضر باشند یا ساعت دیگری؛ مسئله بزرگ‌تر این است که چرا اقتصاد کشور همچنان برای مدیریت ناترازی انرژی به تغییر ساعت فعالیت دستگاه‌های اجرایی متوسل می‌شود.

کاهش مصرف انرژی ضروری است، اما باید با افزایش بهره‌وری همراه شود. تعطیلی می‌تواند چند ساعت بار شبکه را کاهش دهد، اما نیروگاه جدید ایجاد نمی‌کند؛ دورکاری می‌تواند مصرف ساختمان اداری را پایین بیاورد، اما به‌تنهایی مصرف کل کشور را کاهش نمی‌دهد؛ تغییر ساعت می‌تواند زمان مصرف را جابه‌جا کند، اما لزوماً مشکل ساختاری ناترازی را حل نمی‌کند. اگر قرار باشد هر سال با نزدیک شدن تابستان، ساعت کار تغییر کند، پنجشنبه‌ها تعطیل شوند و در روزهای اوج مصرف، استان‌ها یکی پس از دیگری به تعطیلی روند، در نهایت مسئله اصلی همچنان پابرجا خواهد ماند. کشور بیش از «دولت تعطیلات» به «دولت برنامه» نیاز دارد؛ برنامه‌ای که در آن مدیریت مصرف، افزایش ظرفیت تولید، اصلاح شبکه، توسعه انرژی‌های نو و حمایت از تولید هم‌زمان دنبال شود. این در حالی است که در دوران جنگ تحمیلی به‌خوبی نشان داده شد توان مهندسی ایرانی بسیار بالاست و با وجود ضربه به زیرساخت‌های کشور، همین توان مهندسی بود که توانست به یاری هم‌وطنانمان بپاید. ادامه این روند، به جای حل مشکلات، تنها حل آن‌ها را به تعویق می‌اندازد؛ تعویقی که هر روز ممکن است هزینه‌هایش افزایش یابد.

جنگ بهانه نشود

محمد جواد عسکری، رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس می‌گوید: یکی از مسائل مهم، برش یک‌ساله برنامه هفتم و سنجه‌های آن است. در سال سوم برنامه قرار داریم. قبول داریم که جنگ بر شرایط کشور تأثیر گذاشته است، اما جنگ نباید بهانه‌ای برای انجام نشدن تکالیف و اهداف برنامه باشد. باید مشخص شود چه میزان از عقب‌ماندگی‌ها ناشی از شرایط جنگی بوده و چه میزان به مدیریت و نحوه اجرای برنامه مربوط می‌شود.

فعالیت‌های تولیدی و خدماتی نیاز دارد. در چنین شرایطی، تعطیلی یا کاهش حضور کارکنان می‌تواند در کوتاه‌مدت بخشی از فشار بر شبکه را کم کند، اما پرسش اصلی این است که این سیاست تا چه زمانی می‌تواند جایگزین اصلاح ساختار مصرف و افزایش ظرفیت تولید انرژی باشد؟

تجربه‌ای که تکرار می‌شود

برای درک تصمیم جدید دولت باید به تابستان ۱۴۰۴ بازگشت. در آن سال، دولت از همان اردیبهشت‌ماه سیاست مدیریت مصرف را از طریق تغییر ساعت کار دستگاه‌ها آغاز کرد. براساس ابلاغ وزارت کشور، ساعت فعالیت دستگاه‌های دولتی، بانک‌ها، بیمه‌ها و شهرداری‌ها به ۶ صبح تا ۱۳ تغییر کرد و پنجشنبه‌ها نیز تا پایان شهریور تعطیل شد. هدف اعلام‌شده، صرفه‌جویی و حفظ پایداری شبکه سراسری برق بود. به این ترتیب، در سال ۱۴۰۴ مدیریت مصرف انرژی تنها یک سیاست مقطعی در اوج گرمای تابستان نبود؛ بلکه تغییر ساعت کار ادارات از اردیبهشت تا پایان شهریور ادامه یافت و در کنار آن، در مقاطع مختلف تعطیلی یا دورکاری در استان‌ها نیز اعمال شد؛ به‌طوری‌که در شبکه‌های مجازی هر شب نقشه تعطیلی استان‌ها منتشر می‌شد. در تابستان ۱۴۰۴، این سیاست در چند موج تشدید شد و در برخی مقاطع تعداد قابل‌توجهی از استان‌ها تعطیلی یا دورکاری را تجربه کردند. یکی از مهم‌ترین موج‌ها در اواخر مرداد شکل گرفت؛ به‌گونه‌ای که برای شنبه اول شهریور، تعطیلی ادارات در دست‌کم ۲۰ استان اعلام شد.

کشور برای عبور از ناترازی، به برنامه نیاز دارد

با وجود تجربه تابستان ۱۴۰۴ و تعطیلی‌های گسترده، اکنون دولت برای نیمه دوم سال جاری نیز ساعت فعالیت واحدهای ستادی ملی و استانی و بانک‌ها را از ساعت ۸ تا ۱۳ تعیین کرده است. براساس بخشنامه، باقی ساعات موظفی کارکنان باید از طریق دورکاری جبران شود و دستگاه‌ها نیز مکلف شده‌اند خدمات خود را بدون وقفه ارائه کنند. همچنین استانداران در شرایط اضطراری موظف به تصمیم‌گیری درباره میزان حضور کارکنان دستگاه‌های اجرایی را دارند. کاهش ساعات فعالیت ادارات در زمان اوج مصرف، از نظر مدیریت بار شبکه می‌تواند یک ابزار قابل‌استفاده باشد. ساختمان‌های اداری در ساعات کاری مصرف قابل‌توجهی برای کاهش، گرمایش، روشنایی و تجهیزات اداری دارند و کاهش حضور می‌تواند بخشی از این مصرف را پایین بیاورد؛ اما مشکل از جایی آغاز می‌شود که تعطیلی و کاهش ساعت فعالیت از یک ابزار اضطراری به سیاستی تکرارشونده تبدیل شود.



نیما سهیلی

روزنامه‌نگار

کشورمان سال‌هاست با ناترازی انرژی مواجه است؛ ناترازی ناشی از سیاست‌های دهه‌ی ۹۰ که توسط دولت‌های یازدهم و دوازدهم به ریاست حسن روحانی اتخاذ شد. برخی وزرای دولت در آن زمان، نیروگاه‌سازی و پالایشگاه‌سازی را برای کشور معضل می‌دانستند و معتقد بودند نیاز کشور از طریق واردات تأمین خواهد شد؛ از این‌رو، به «نیروگاه‌نساختن» و «پالایشگاه‌نساختن» روی آوردند. همین رویکرد باعث شد در تابستان ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ خاموشی‌ها در کشور به اوج خود برسد. با آغاز به کار دولت سیزدهم، برای حل ناترازی‌ها برنامه‌ریزی شد و با مدیریت مصرف، تلاش شد تا خاموشی‌ها به حداقل برسد؛ به‌طوری‌که قطع برنامه‌ریزی‌شده برق بخش خانگی حذف شد و دولت شهید رئیسی در کنار سیاست‌های کوتاه‌مدت برای مدیریت مصرف، برای افزایش ظرفیت تولید نیز برنامه‌ریزی کرده بود. با روی کار آمدن دولت چهاردهم، برخی سیاست‌های درست کنار گذاشته شد و دوباره شاهد تشدید ناترازی بودیم. حالا این ناترازی انرژی دیگر صرفاً به خاموشی‌های چندساعته برق با افت فشار گاز محدود نمی‌شود؛ دامنه این مسئله در دو سال گذشته به نحوه فعالیت دستگاه‌های اجرایی، ساعات کاری ادارات، تعطیلی روزهای پنجشنبه و حتی تعطیلی مقطعی استان‌ها کشیده شده است.

تغییر ساعت یا پاک کردن صورت مسئله؟

دولت چهاردهم در حالی از اول مهرماه ساعت فعالیت واحدهای ستادی دستگاه‌های اجرایی و بانک‌ها را تا پایان سال از ساعت ۸ تا ۱۳ تعیین کرده که در تابستان سال گذشته نیز مدیریت مصرف انرژی با تغییر ساعت کار و تعطیلی گسترده ادارات دنبال شد. براساس بخشنامه جدید سازمان اداری و استخدامی، هدف از تعیین ساعت ۸ تا ۱۳، مدیریت بهینه مصرف انرژی، حفظ پایداری شبکه برق و گاز و در عین حال تداوم خدمت‌رسانی به مردم اعلام شده است. نکته مهم آن است که این تصمیم به معنای حذف ساعات موظفی کارکنان نیست و ساعات باقی‌مانده باید از طریق دورکاری جبران شود. این تصمیم در شرایطی اتخاذ شده که اقتصاد کشور هم‌زمان با فشارهای ناشی از تحریم، محدودیت منابع، کاهش قدرت سرمایه‌گذاری و دشواری تأمین انرژی، به استمرار

تالار شیشه‌ای

بازگشت خریداران به بورس پس از سه روز فشار فروش

بازار سهام دیروز (دوشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۵) معاملات خود را در حالی آغاز کرد که مانند دو روز نخست ابتدای هفته، همچنان فشار فروش در بازار محسوس بود؛ با این حال، برخلاف روزهای گذشته، تقاضا در دقایق ابتدایی قدرت بیشتری داشت. در شروع معاملات حدود ۵۶ درصد نمادها سبزپوش بودند. همین وضعیت موجب شد شاخص کل بورس در ابتدای بازار تا حدود ۵۳ هزار واحد رشد کند، اما این روند دوام نیاورد و با افزایش عرضه‌ها، شاخص منفی شد، البته در پایان، تعداد نمادهای مثبت و منفی تقریباً برابر شد؛ به‌طوری‌که ۴۲۷ نماد مثبت و ۴۲۳ نماد منفی بودند.

شاخص کل بورس تهران با کاهش ۱۱ هزار و ۵۳۵ واحدی (۰،۱۶ درصد) به ۷ میلیون و ۲۸۰ هزار و ۲۸۹ واحد رسید. شاخص کل هم‌وزن نیز با افت ۹ هزار و ۴۳۴ واحدی (۰،۴۸ درصد) در محدوده یک میلیون و ۹۳۶ هزار و ۹۲۵ واحد قرار گرفت. اما شاخص فرابورس ایران مثبت بود و با رشد ۱۰۷ واحدی (۰،۱۹ درصد) در ارتفاع ۵۶ هزار و ۷۴۱ واحد قرار گرفت. همچنین شاخص ۱۳ صنعت از مجموع ۴۱ صنعت بازار سهام صعودی شد و شاخص ۵ صنعت بیش از یک درصد افزایش یافت. شاخص ۱۳ صنعت از مجموع ۴۱ صنعت بورس افزایش یافت. منسوجات با رشد ۲،۸۶ درصدی بیشترین افزایش روزانه را ثبت کرد.

ارزش معاملات خرد سهام و صندوق‌های سهامی به حدود ۴۹۰۸ هزار میلیارد تومان رسید و حدود ۷۵۴ میلیارد تومان پول حقیقی وارد بازار شد. همچنین ارزش کل معاملات بورس و فرابورس حدود ۳۰۴ هزار میلیارد تومان بود. در پایان بازار، ارزش سفارش‌های خرید به حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان و سفارش‌های فروش به حدود ۴ هزار میلیارد تومان رسید و تعداد صف‌های خرید نیز با ۲۲۲ مورد، از ۱۹۰ صف فروش بیشتر بود. این ارقام نشان می‌دهد اگرچه عرضه همچنان فعال است، اما تقاضا توانسته بخش قابل‌توجهی از فشار فروش را جذب کند.

در مجموع، معاملات دیروز بیشتر از آنکه نشانه آغاز یک موج صعودی باشد، بیانگر تلاش بازار برای رسیدن به تعادل پس از سه روز فشار عرضه بود. ورود پول حقیقی، افزایش ارزش معاملات و کاهش محسوس صف‌های فروش از نشانه‌های مثبت محسوب می‌شوند، اما برای تأیید پایداری تقاضا، تداوم این روند در روزهای آینده اهمیت دارد. برای امروز نیز انتظار می‌رود رقابت میان عرضه و تقاضا ادامه داشته باشد و رفتار نقدینگی حقیقی، به‌ویژه در صنایع بزرگ و نمادهای پرمعامله، نقش مهمی در مسیر شاخص‌ها ایفا کند.

محمد منان رئیسی، عضو کمیسیون عمران مجلس در گفت‌وگو با نوبنیاد مطرح کرد؛

ناترازی اصلی، ناترازی مدیریتی است



حمید کمار

روزنامه نگار

بیش از دو سال از آغاز به کار دولت چهاردهم می‌گذرد و بازار مسکن همچنان در گرداب تورم و رکود دست‌وپنجه نرم می‌کند. در حالی که رشد بخش ساختمان در سال گذشته منفی ۱۵.۸ درصد شد و برآوردها از رشد میانگین ۱۳۰ درصدی قیمت مسکن نسبت به آغاز دولت چهاردهم خبر می‌دهند، گره کور «خانه‌دار شدن» برای اقشار ضعیف و متوسط هر روز پیچیده‌تر می‌شود. در همین رابطه، یادگتر محمد منان رئیسی، عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی، به گفت‌وگو نشستیم تا عملکرد وزارت راه و شهرسازی و نگاه کلان دولت به این بحران را بررسی کنیم.

با گذشت بیش از دو سال از آغاز به کار دولت چهاردهم، ارزیابی شما از عملکرد دولت و وزارت راه و شهرسازی در حوزه مسکن چیست؟

عملکرد دولت آقای پزشک‌یان در حوزه مسکن، هم به لحاظ کیفیت و هم به لحاظ کمیت، با قوانین بالادستی که پیش از این تصویب شده و دولت مکلف به اجرای آن‌ها بوده، فاصله بسیار فاحشی دارد. حتی وعده‌های خود آقای پزشک‌یان نیز در این زمینه محقق نشده است. از جمله، در برنامه هفتم پیشرفت که آقای پزشک‌یان در مناظرات انتخاباتی بر اجرای آن تأکید کردند و گفتند «برنامه من برنامه هفتم است». اگر ارقام و عملکرد واقعی را بررسی کنیم، فاصله عملکرد دولت با آنچه در برنامه هفتم تصویب و ابلاغ شده، بسیار زیاد است. برای نمونه، در برنامه هفتم پیش‌بینی شده که مطابق تکالیفی که پیش‌تر در قانون جهش تولید مسکن تصویب شده بود، سالانه ۱۰۰ هزار واحد در بافت‌های فرسوده نوسازی شود. برای مسکن روستایی و مسکن حمایتی نیز ارقام قابل توجهی پیش‌بینی شده است. اما در دو سال اخیر، در حوزه مسکن حمایتی فقط حدود ۱۰۰ هزار واحد تحویل شده؛ یعنی سالانه ۵۰ هزار واحد. در حالی که بر اساس قانون جهش تولید مسکن باید سالانه یک میلیون واحد مسکونی ساخته شود. البته همه این یک میلیون واحد، مسکن حمایتی نیست، اما همین رقم متوسط ۵۰ هزار واحد تحویلی در سال نیز با نیاز واقعی کشور فاصله بسیار معناداری دارد. ما حدود هفت میلیون خانواده مستأجر داریم و سالانه نیز نزدیک به ۵۰۰ هزار ازدواج جدید در کشور اتفاق می‌افتد. بخشی از این ازدواج‌ها نیز به طلاق منتهی می‌شود و با توجه به تغییر سبک زندگی، بخش قابل توجهی از افرادی که طلاق می‌گیرند، دیگر به خانه پدری بازمی‌گردند و مسکن مستقل می‌خواهند؛ بنابراین، اعدادی که دولت در حوزه ساخت مسکن محقق کرده، به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای کشور نیست.

چرا برای دولت ساخت مسکن اهمیت ندارد؟

ما در جلسات مختلف، بارها این موضوع را با مسئولان مطرح کرده‌ایم. یکی از استدلال‌هایی که مطرح می‌کنند، این است که ما در کشور کمبود مسکن نداریم. می‌گویند اکنون تقریباً هر خانواده‌ای جایی برای سکونت دارد؛ حتی مستأجران نیز در جایی

چون نرخ ازدواج کاهش یافته، دیگر نیازی به ساخت مسکن جدید نیست. دلیل اهمیت موضوع این است که تقریباً ۵۰ درصد از سبد هزینه خانوارها را مسکن تشکیل می‌دهد. اگر دولت بتواند مسئله مسکن را حل کند، عملاً حدود نیمی از معیشت مردم حل خواهد شد. ضمن اینکه حل مسئله مسکن ارتباطی با جنگ و تحریم ندارد؛ چراکه زمین در اختیار خود دولت است. بزرگ‌ترین احتکارکننده زمین، دولت و سازمان‌های دولتی هستند. مثلاً سازمان ملی زمین و مسکن همین الان حدود ۱۸ میلیارد مترمربع زمین در اختیار دارد؛ بخشی از این اراضی در محدوده قانونی شهرها و بخشی نیز در حریم شهرها قرار دارد؛ این میزان زمین معادل حدود ۳۰ برابر مساحت کل شهر تهران است. این زمین‌ها متأسفانه در اختیار مردم قرار نمی‌گیرد. چند بار با وزیر راه و شهرسازی و معاونان او درباره همین عدد صحبت کرده‌ام که این زمین‌ها را در اختیار مردم، به‌ویژه جوانانی که سال‌ها در انتظار خانه هستند، قرار دهید. خود وزیر (فرزانه صادق) به بنده گفته‌اند این زمین برای آینده است. اما با وضعیتی که می‌بینم، آینده‌ای برای جوانان متصور نیست. نرخ رشد جمعیتی با این شیوه مدیریت، تا ۵۰ سال دیگر جمعیت کشور نصف می‌شود. اگر چنین روندی ادامه پیدا کند، جوانی باقی نمی‌ماند که بخواهیم این زمین‌ها را برای آن نگه داریم. امروز با این میزان زمین، میلیون‌ها نفر به راحتی می‌توانند خانه‌دار شوند. حتی اگر قرار باشد جمعیت کشور دو برابر شود، از نظر تأمین زمین با مشکل مواجه نخواهیم بود. بخش قابل توجهی از آنچه مطرح می‌شود، سوءمدیریت و توجیه است. ناترازی اصلی کشور، ناترازی مدیریتی است؛ نه ناترازی آب و برق و... .

وزیر راه و شهرسازی عنوان کرد که در دولت قبل، گفتاردرمانی می‌شد، اما برنامه او برای حل مشکل مسکن چیست؟

چون مسکن اولویت دولت نیست. آقای رئیس‌جمهور بایک‌سری شعار روی کار آمد و اولویت‌های خودشان را نیز بر همان اساس تعیین کردند؛ از جمله اینکه در حوزه حجاب و عفاف سخت‌گیری نمی‌کنند، زنان ایرانی باید آزاد باشند، روابط بین‌الملل باید به شکل خاصی پیش برود، محدودیت‌های فضای مجازی باید تغییر کند و مواردی از این دست. اولویت دولت همین مسائل است و با قدرت هم آن‌ها را دنبال می‌کند. نتیجه آن را نیز در وضعیت فرهنگی و اجتماعی کف خیابان می‌بینیم. اما اشتغال، مسکن و رشد اقتصادی، اولویت آقای رئیس‌جمهور نبوده و اولویت این دولت هم نیست. مسکن اساساً در اولویت درجه یک دولت قرار ندارد. یکی از شواهد آن این است که آقای رئیس‌جمهور اکنون نزدیک به یک سال و نیم است که در جلسات شورای عالی مسکن حضور پیدا نمی‌کند. تمام جلسات شورای عالی مسکن در یک سال و نیم اخیر، که معمولاً هر سه یا چهار ماه یک‌بار برگزار می‌شود، در حالی که در دولت شهید رئیسی تقریباً ماهانه برگزار می‌شد، در غیاب رئیس‌جمهور تشکیل شده است. در دولت شهید رئیسی، مسکن مسئله اول دولت بود. این یعنی آقای پزشک‌یان برای مسئله مسکن مردم اهمیت کافی قائل نیست؛ برای مستأجرانی که بخش بسیار بزرگی از درآمدشان را صرف اجاره مسکن می‌کنند، پیگیری نمی‌کند. رئیس‌جمهور در جلسات حضور ندارد، مصوبات را پیگیری نمی‌کند و مصوباتی که در جلسات قبلی به تصویب رسیده نیز به درستی اجرا نمی‌شود. صدای مردم هم متأسفانه به جایی نمی‌رسد.

طبق گزارش‌های مرکز آمار، هزینه ساخت و ساز در بهار امسال نسبت به بهار سال گذشته دو برابر شده که بخش عمده آن به سیاست‌های ارزی دولت و جهش شدید قیمت مصالح ساختمانی برمی‌گردد. این موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

طبیعی است که وقتی هزینه ساخت بالا می‌رود، قیمت نهایی مسکن هم جهش پیدا می‌کند؛ چون مصالح ساختمانی بخش مهمی از قیمت تمام‌شده است. به‌طور کلی، قیمت تمام‌شده مسکن تابع سه مؤلفه اصلی است: خدمات مهندسی، عوارض صدور پروانه و ساختمانی و فرآیندهای اداری؛ هزینه مصالح ساختمانی و قیمت زمین. مدیریت قیمت زمین صد درصد در اختیار خود دولت است؛ چراکه دولت اراضی بسیار زیادی در اختیار دارد و به راحتی می‌تواند قیمت زمین را کنترل و به صفر نزدیک کند. تنها مسئله باقی‌مانده، آماده‌سازی زمین است. دولت حتی اگر بودجه برای آماده‌سازی نداشته باشد، می‌تواند از روش تهاوت و اختصاص قدرالسهم به پیمانکار استفاده کند. دولت می‌تواند به پیمانکار بگوید: به جای ۱۰

هکتار، ۱۲ هکتار را آماده‌سازی کن و آن ۲ هکتار مازاد را به عنوان دستمزد و قدرالسهم خودت بردار. این کاملاً شدنی و در دسترس است. اما در بخش مصالح ساختمانی، متأسفانه ما دچار یک سوءمدیریت عیان هستیم. بعد از شروع جنگ رمضان، قیمت میلگرد، تیرآهن و سایر اقلام به شدت افزایش پیدا کرد و بهانه آوردند که دلیل گرانی، آسیب دیدن کارخانه‌های فولاد است! در حالی که کارخانه‌های فولادی که مورد اصابت قرار گرفتند، اصلاً در حوزه صنعت ساختمان فعال نبودند. فولاد مبارکه عمده‌تاً «اسلب» تولید می‌کند و ورق‌ها و اسلب‌های تولیدی آن مصرفی در صنعت ساختمان ندارند. میلگرد کشور عمده‌تاً در کارگاه‌ها و نورد‌های کوچک تولید می‌شود که هیچ‌کدام از آن‌ها آسیبی ندیدند. کارخانه‌های سیمان هم هیچ آسیبی در جنگ رمضان ندیدند؛ بنابراین، کاملاً مشخص است که عده‌ای در فضای کشور دست به سوءاستفاده قیمتی زدند و دلیل اصلی آن هم ناتوانی دولت در نظارت و مدیریت این عرصه بود.

خانم صادق (وزیر راه و شهرسازی) طرح «مسکن استیجاری» را هم مطرح کرده‌اند. با توجه به شرایط تورمی فعلی، آیا مسکن استیجاری می‌تواند کمکی به مهار بحران مستأجران بکند یا گریهی از کار باز نمی‌کند؟
اعداد و ارقامی که این‌ها در طرح مسکن استیجاری مطرح می‌کنند، شوخی با واقعیت جامعه است. ما ۷ میلیون خانوار مستأجر در کشور داریم، در حالی که کل ظرفیت پیش‌بینی شده آن‌ها در حد چند هزار واحد بیشتر نیست. فرض کنید ۱۰ هزار واحد مسکن استیجاری در کل کشور ایجاد شود؛ وقتی ۱۰ هزار را تقسیم بر ۷ میلیون خانوار مستأجر کنید، سهم آن به یک درصد هم نمی‌رسد. طبیعی است وقتی شما وارد بازار تقاضایی می‌شوید که ۹۹ درصد آن را اصلاً نمی‌توانید پوشش دهید، یعنی مسیر را کاملاً اشتباه رفته‌اید و به اصطلاح «سوراخ دعا را گم کرده‌اید». اگر قرار است از مستأجر حمایت واقعی شود، باید به سمت واگذاری مسکن ملکی رفت. مسکن ملکی هم نیازمند این است که دولت زمین را در اختیار مردم بگذارد و تسهیلات بانکی را پرداخت کند.

نقش بانک‌ها را چگونه می‌بینید؟

البته در این بخش همه تقصیرها متوجه وزارت راه و شهرسازی نیست؛ وزارت اقتصاد و بانک مرکزی هم شدیداً مقصر هستند، چراکه بانک‌ها به هیچ عنوان به تکلیف قانونی خود در حوزه مسکن عمل نکرده‌اند. طبق قانون جهش تولید مسکن، شبکه بانکی مکلف است حداقل ۲۰ درصد از کل تسهیلات خود را به بخش مسکن اختصاص دهد، اما آمار نشان می‌دهد این رقم در حال حاضر حدود ۴ درصد است؛ یعنی حتی به اندازه یک پنجم از تعهدات قانونی‌شان هم عمل نکرده‌اند. دولت باید تسهیلات قانونی بانک‌ها را فعال کند، زمین رایگان به مردم بدهد و اجازه دهد خود مردم اقدام به ساخت خرد کنند. راهکار ایجاد امید در حوزه مسکن این است، نه ارائه طرح‌هایی که حتی یک درصد از نیاز جامعه ۷ میلیونی مستأجران را پوشش نمی‌دهد.

وقتی مسکن مهر شکل گرفت و دولت آقای روحانی روی کار آمد، تعهد چندانی نسبت به ادامه آن نداشت؛ یعنی در دهه ۹۰ عملاً به سمت توقف مسکن‌سازی رفتیم. آیا دولت چهاردهم هم همان مسیر را می‌روی؟

بله، همان تفکر متأسفانه در این دولت حاکم است. این مسئله را نه فقط در حوزه مسکن، بلکه در حوزه نیروگاه نیز دیده‌ام. سخنگوی دولت، فکرمی‌کنم حدود یک ماه پیش، مصاحبه کرد و گفت ما دیگر به سمت توسعه و ایجاد نیروگاه‌های جدید نمی‌رویم. این همان حرف‌هایی است که در آن دوره مطرح می‌شد؛ همان تفرکی که آقای آخوندی، وزیر وقت مسکن، و آقای زنگنه، وزیر نفت، داشتند. حتی درباره پالایشگاه‌سازی گفته می‌شد که پالایشگاه‌سازی کاری نادرست است و نباید به سمت ساخت پالایشگاه برویم. الان نیز همین رویکرد را در حوزه مسکن می‌بینیم. ثبت‌نام جدید انجام نمی‌دهند، مردم را محروم می‌کنند و می‌گویند اصلاً ما به خانه جدید نیاز نداریم؛ خانه به تعداد کافی در کشور وجود دارد و مستأجران هم در خانه‌های خودشان نشسته‌اند، بنابراین لزومی ندارد تلاش کنیم مسکن جدید بسازیم. این تفکر، تفکری انقباضی و امتداد همان تفکری است که در دولت‌های آقای روحانی در حوزه‌های مختلف وجود داشت و ما اکنون در این دولت نیز آن را به وضوح می‌بینیم. تفاوت این دولت با دولت شهید رئیسی را هم مردم خودشان قضاوت می‌کنند. مردم عملکردها را می‌بینند و متوجه می‌شوند.

بین الملل



حماس: آمریکا باز هم مانع حضور هیئت فلسطینی در مجمع عمومی شد



حازم قاسم، سخنگوی جنبش مقاومت اسلامی حماس، تصمیم دولت آمریکا برای خودداری از صدور روادید ورود برای هیئت فلسطینی عازم نیویورک را محکوم کرد. این هیئت قرار بود برای شرکت در نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد به نیویورک سفر کند.

قاسم با اشاره به اینکه این اقدام برای دومین سال پیاپی انجام می‌شود، آن را نقض آشکار مقررات و توافقنامه‌های بین‌المللی مرتبط با فعالیت مقر سازمان ملل متحد دانست و تأکید کرد که کشور میزبان موظف است امکان حضور هیئت‌های رسمی کشورهای عضو را برای شرکت در نشست‌های سازمان ملل فراهم کند.

سخنگوی حماس افزود: جلوگیری از ورود هیئت فلسطینی به نیویورک، صرفاً یک تصمیم اداری یا محدودیت سفر نیست، بلکه اقدامی سیاسی در راستای جلوگیری از حضور و بیان دیدگاه‌های فلسطینیان است.

و گفت آمریکا با چنین اقداماتی تلاش می‌کند مانع از آن شود که روایت و مواضع فلسطینیان درباره تحولات سرزمین‌های اشغالی و جنگ جاری، به افکار عمومی و جامعه جهانی منتقل شود.

غیبت پوتین و شی جین پینگ در نشست سالانه سازمان ملل

جهان در حال عبور از نیویورک

مجمع عمومی سازمان ملل امسال در شرایطی برگزار می‌شود که غیبت پوتین و شی جین پینگ، تنها یک تغییر در فهرست میهمانان نیست بلکه نشانه‌ای از شکاف عمیق‌تر میان ساختارهای سنتی نظم بین‌الملل و مراکز جدید قدرت است. سازمانی که قرار بود محور حکمرانی جهانی باشد، اکنون با کاهش اعتبار و کارآمدی مواجه است؛ وضعیتی که بخشی از آن نتیجه سیاست‌های خود واشنگتن، از تضعیف نهادهای چندجانبه تا اولویت دادن به «اول آمریکا» و عبور از برخی قواعد و تعهدات بین‌المللی است.

۲۸ درصد اقتصاد جهان را در اختیار دارد. در همان اجلاس، شی جین پینگ پیشنهاد ایجاد منطقه همکاری هوش مصنوعی بریکس و تعمیق یکپارچگی اقتصادی میان اعضا را مطرح کرد. همچنین استفاده بیشتر از ارزهای محلی، اتصال نظام‌های پرداخت و افزایش نقش اقتصادهای نوظهور در نهادهای بین‌المللی در دستور کار قرار گرفت.

در این میان، حتی هند نیز تلاش کرده است بریکس را نه به عنوان ابزاری برای جایگزینی یک هژمون با هژمونی دیگر، بلکه به عنوان بستری برای هماهنگی اقتصادهای نوظهور معرفی کند. با این حال، روند موجود نشان می‌دهد که نفوذ چین در دستور کارهای بریکس، از فناوری و هوش مصنوعی گرفته تا زیرساخت‌های پرداخت، به شکل محسوسی افزایش یافته است.

بنابراین، تصویر امسال بیش از آنکه خبر از «پایان سازمان ملل» بدهد، نشانه آشکاری از فرسایش انحصار یک مرکز برای مدیریت مسائل جهانی است. نیویورک همچنان محل مهم دیپلماسی جهانی است، اما دیگر نمی‌توان فرض کرد که تمام مسیرهای تعیین‌کننده سیاست بین‌الملل از آنجا عبور می‌کنند.

این وضعیت را باید نتیجه مستقیم سیاست‌های خود واشنگتن دانست. سیاست‌هایی که در دوره ترامپ با خروج یا فاصله‌گیری از برخی نهادها و سازوکارهای بین‌المللی، بی‌اعتنایی به بخشی از قواعد و تعهدات چندجانبه و تلاش برای تعریف مناسبات جهانی بر اساس «اول آمریکا» تشدید شده است. از این منظر، فاصله گرفتن قدرت‌های بزرگ از برخی سازوکارهای سنتی بین‌المللی را می‌توان تا حدی ثمره سیاست‌هایی دانست که خود آمریکا در سال‌های اخیر دنبال کرده است.

زیادی بازتاب‌دهنده موازنه قدرت سال ۱۹۴۵ هستند و باید نمایندگی کشورهای در حال توسعه در آنها افزایش یابد. مسئله مهم‌تر آن است که این شکاف در شرایطی ایجاد شده که خود واشنگتن نیز در تضعیف چندجانبه‌گرایی نقش داشته است. رویترز گزارش داده که دولت ترامپ کمک‌های آمریکا به سازمان ملل را کاهش داده و از ده‌ها نهاد وابسته به این سازمان خارج شده است. حتی آمریکا برای جلوگیری از دست دادن حق رأی خود در مجمع عمومی، اخیراً ۲۲۵ میلیون دلار از بدهی‌هایش را پرداخت کرد، در حالی که همچنان بیش از یک میلیارد دلار بدهی به سازمان ملل دارد.

در چنین شرایطی، غیبت شی و پوتین یک سؤال اساسی را پیش می‌کشد که آیا مرکز ثقل سیاست جهانی همچنان در نیویورک قرار دارد یا بخشی از آن در حال انتقال به ساختارهای جدید است؟

پاسخ را باید در اتفاقاتی جست‌وجو کرد که درست پیش از مجمع عمومی رخ داده‌اند. اول سپتامبر، رؤسای چین، روسیه، هند، ایران و شماری دیگر از کشورهای در نشست سازمان همکاری شانگهای گرد هم آمدند. نشست که محور آن تقویت همکاری‌های اقتصادی و سیاسی و حرکت به سوی نظامی چندقطبی بود. تنها چند روز بعد نیز هجدهمین اجلاس بریکس در دهلی نو برگزار شد. اجلاسی که با حضور چین، روسیه، ایران، امارات و دیگر اعضای این گروه، تصویری متفاوت از همکاری میان قدرت‌های غیرغربی ارائه کرد.

رویتزر در تحلیل اجلاس بریکس تصریح کرد که این گروه اکنون ۱۱ عضو دارد و حدود



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

شانگهای و بریکس، جغرافیای جدید قدرت

اول سپتامبر، رؤسای چین، روسیه، هند، ایران و شماری دیگر از کشورهای در نشست سازمان همکاری شانگهای گرد هم آمدند. نشست که محور آن تقویت همکاری‌های اقتصادی و سیاسی و حرکت به سوی نظامی چندقطبی بود. تنها چند روز بعد نیز هجدهمین اجلاس بریکس در دهلی نو برگزار شد. اجلاسی که با حضور چین، روسیه، ایران، امارات و دیگر اعضای این گروه، تصویری متفاوت از همکاری میان قدرت‌های غیرغربی ارائه کرد.

هشتاد و یکمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در شرایطی آغاز می‌شود که یکی از معنادارترین تصاویر سیاسی این نشست، نه در صحن سازمان ملل، بلکه در غیاب دو چهره اصلی قدرت‌های غیرغربی شکل گرفته است. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در نیویورک حاضر نمی‌شود و شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین نیز ترجیح داده است به جای حضور در مجمع عمومی، در واشنگتن با دونالد ترامپ دیدار کند. رویترز این تصمیم شی را نشانه‌ای از تردیدهای فزاینده درباره نقش و کارآمدی سازمان ملل در حل بحران‌های جهانی دانسته است.

این اتفاق رانمی‌توان صرفاً یک تغییر در برنامه سفر سران کشورها تلقی کرد. سازمان ملل در سال ۱۹۴۵ و براساس توازن قدرت همان دوران شکل گرفت اما امروز بسیاری از مراکز قدرت اقتصادی، سیاسی و جمعیتی جهان خارج از ساختار سنتی غرب قرار دارند. حتی آنتونیو گوتروش، دبیرکل سازمان ملل، در نشست سازمان همکاری شانگهای در اول سپتامبر تأکید کرد که نهادهای بین‌المللی هنوز تا حد

یادداشت

عجز آمریکا در برابر بحران سعودی‌ها

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

تحولات چند روز اخیر یک واقعیت مهم را درباره معادلات امنیتی منطقه آشکار کرده است. واقعیتی که شاید بیش از هر چیز در رفتار متناقض عربستان سعودی و آمریکا خود را نشان می‌دهد. نیویورک تایمز در گزارشی تازه از گرفتارشدن دونالد ترامپ در یک دوراهی خبر داده است. دوراهی‌ای که یک سوی آن درخواست مکرر عربستان برای حمله آمریکا به انصاف‌گمن و سوی دیگر آن نیاز واشنگتن به همکاری ریاض در جنگ با ایران قرار دارد.

ماجرای زمانی معنادارتر می‌شود که بدانیم محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی، شخصاً از ترامپ خواسته است برای مهار انصاف‌گمن عمل شود. حتی بنا بر گزارش نیویورک تایمز، مقدمات حمله آمریکا تا جایی پیش رفته بود که فهرست اهداف آماده و بمب‌ها برای هواپیماهای آمریکایی بارگیری شده بود اما ترامپ در نهایت فعلاً از اجرای حمله عقب نشست.

این همان نقطه‌ای است که تناقض بزرگ سیاست امنیتی ریاض آشکار می‌شود. عربستان سال‌ها میلیارد دلار برای خرید تسلیحات و ایجاد روابط امنیتی با غرب هزینه کرده و آمریکا را ستون اصلی امنیت خود دانسته است اما اکنون، درست در میانه یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های منطقه، واشنگتن حاضر نیست تمام‌قد برای دفاع از ریاض وارد میدان شود. گزارش آسوشیتدپرس نیز می‌گوید عربستان برای دریافت کمک‌های دفاعی به کشورهای مانند فرانسه، بریتانیا، پاکستان و مصر روی آورده، در حالی که ذخایر موشک‌های رهگیرش با فشار مواجه شده است.

اما بخش مهم‌تر ماجرا جایی است که پای چین و ایران به میان می‌آید.

رویتزر چند روز پیش گزارش داد که عربستان پس از پیشروی‌های سریع انصاف‌گمن ساحل دریای سرخ و اطراف باب‌المندب، از چین درخواست کمک کرد و پکن نیز به صورت خصوصی از تهران خواست از نفوذ خود برای مهار انصاف‌گمن استفاده کند. به بیان روشن‌تر، ریاض برای حل بخشی از بحران امنیتی خود به تهران متوسل شده است. این تحول از منظر ژئوپلیتیک قابل توجه است. عربستان امروز در شرایطی قرار گرفته که برای کنترل پیامدهای یک بحران منطقه‌ای، به میانجی‌گری کشوری متوسل می‌شود که روابط راهبردی نزدیکی با ایران دارد.

از سوی دیگر، خود ترامپ نیز در تنگنای مشابهی قرار گرفته است. آمریکا نمی‌خواهد با بازکردن جبهه جدید علیه انصاف‌گمن فشار بیشتری بر توان نظامی و ذخایر تسلیحاتی خود وارد کند اما هم‌زمان به همکاری عربستان در جنگ با ایران نیاز دارد. نیویورک تایمز حتی یادآوری می‌کند که ریاض پیش‌تر با خودداری از اختیار گذاشتن حریم هوایی و پایگاه‌هایش، عملاً طرح آمریکا برای اسکورت نفتکش‌ها در تنگه هرمز را متوقف کرده بود.

بنابراین مسئله فقط یک اختلاف میان ریاض و واشنگتن نیست بلکه نشانه‌ای از تغییر محاسبات امنیتی در منطقه است. عربستان در برابر بحران‌های هم‌زمان یمن، باب‌المندب، هرمز و جنگ ایران، بیش از گذشته به همکاری بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای نیازمند شده است.

در چنین شرایطی، آنچه بیش از همه جلب توجه می‌کند این است که ایران، که سال‌ها هدف اصلی سیاست فشار و ائتلاف‌سازی سعودی‌ها معرفی می‌شد، اکنون در معادلات امنیتی ریاض به بازیگری تبدیل شده که حتی برای کاهش تنش با نیروهای همسو با آن، باید از مسیر چین با تهران گفت‌وگو شود.

بازخوانی سخنان قبلی رئیس جمهور در نیویورک، حساسیت‌های سفر پیش روی او را بالا برده است

نگرانی از تکرار مواضع نسنجیده و خطرناک

با قطعی شدن سفر مسعود پزشکیان به نیویورک، مروری بر دو سفر وی در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ ضرورتی انکارناپذیر است. این سفرها برای کشور بسیار پرهزینه، بی‌دست‌آورد و بدون نتیجه بودند و تنها پالس ضعف ارسال کردند. نگاهی گذرا

به این دو سفر نشان می‌دهد نگرانی ملت ایران از سفرهای پرهزینه و بی‌نتیجه سیاسی پزشک‌های بی‌جا نیست و در شرایط خطیر کنونی، این نگرانی درباره مواضع و دیدارهای او بیشتر شده است.



محسن فرهمند
روزنامه نگار

با قطعی شدن سفر مسعود پزشکیان به نیویورک برای شرکت در اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل، مروری بر دو سفر قبلی او در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ به یکی از مهم‌ترین موضوعات در فضای رسانه‌ای کشور تبدیل شده است. این سفرها نه تنها دست‌آوردی برای کشور به همراه نداشتند، بلکه هزینه‌های گزافی را بر امنیت ملی ایران تحمیل کردند و در نهایت تنها پیام ضعف را به دشمنان ارسال نمودند. نگاهی گذرا به این دو سفر کافی است تا مشخص شود نگرانی ملت ایران درباره سفرهای پرهزینه و بی‌نتیجه سیاسی رئیس جمهور به نیویورک، نگرانی بی‌اساسی نیست. در شرایط حساس کنونی و در میانه جنگ تمام عیار آمریکا بر علیه ایران، این نگرانی درباره مواضع پزشک‌های و رفتارهای دیپلماتیک پرهزینه او بیش از پیش افزایش یافته است.

یکی از صحنه‌های تأسف بار در اولین سفر پزشکیان به نیویورک در ۱۴۰۳، درست چند روز پیش از ترور شهید سید حسن نصرالله رقم خورد. در همان مقطعی که، نتانیاهو در حال تکمیل هماهنگی‌ها و عملیات فریب سفر خود به نیویورک برای اجرای آن ترور بود، در چنین فضای حساسی، تلقی پزشک‌های از معادلات منطقه به قدری سطحی و ساده‌اندیشانه بود که در موضعی به شدت نابه‌جا اظهار داشت: «ایران حاضر است سلاح‌های خود را زمین بگذارد، اگر اسرائیل سلاح‌هایش را زمین بگذارد.» وی در ادامه این موضع عجیب اظهار می‌دارد: «تروریست تروریست است. فرق ندارد چه عرب چه عجم چه فارس باشد یا اسرائیل و آمریکا باشد. اگر ترور کردند تروریست هستند.» درست چند روز پس از این موضع بود که سید حسن نصرالله هم‌ترین سرمایه منطقه‌ای ایران هدف حمله و ترور رژیم اسرائیل قرار گرفت و بعد از یک ماه از این سفر،

اسرائیل در ۵ آبان ۱۴۰۳ اولین حمله رسمی خود را به ایران انجام داد و کمتر از یک سال بعد، جنگ ۱۲ روزه به وقوع پیوست و ایران آماج تهاجم اسرائیل و آمریکا قرار گرفت. با این حال، مواضع عجیب پزشک‌های بار دیگر تکرار شد. این مواضع پزشک‌های در نیویورک از اولین نشانه‌های عدم تسلط او بر زبان و گفتارش بود و آغازگر نگرانی ملت ایران از تکرار آنچه رهبری شهید درباره دوره اصلاحات و مواضع نسنجیده مقامات فرموده بودند، گردید. این بار نگرانی‌ها مستقیماً متوجه پزشک‌های شد.

هشدارهای رهبری شهید در خصوص مواضع نابه‌جا مقامات

رهبری شهید در سال ۱۳۸۹ و در دیدار با هیأت دولت دهم، نکته‌ای را درباره دوران اصلاحات بیان کردند که امروز مجدداً در حال تکرار است. ایشان فرمودند: «قبلاً نگران بودم که مسئولان در خارج از کشور می‌خواهند چه بگویند؟» و نمونه‌هایی نیز درباره رفتارهای اشتباه در دوران اصلاحات ذکر کردند. ایشان در این زمینه فرمودند: «یک بار در موضوع روابط با یک کشور اروپایی کاغذی آوردند و مطالبی مطرح کردند که خلاف عزت بود و من جلوی آنها ایستادم و حتی در مورد مشایبهی گفتیم اگر این کار را نکنید، مخالفت خود را اعلام می‌کنم.»

رفتارها و مواضع نسنجیده پزشک‌های در سفر سال بعد یعنی ۱۴۰۴ نیز تکرار شد. او و تیمش با وجود همه عقب‌نشینی‌های پیش از نشست نیویورک و در جریان آن، از جمله توافق قاهره نتوانستند جلوی استفاده اروپایی‌ها از مکانیسم ماشه را بگیرند. روایت سعید لیلاز به نقل از شهید علی لاریجانی به صراحت بی‌نتیجگی تمام آن عقب‌نشینی‌ها را شرح می‌دهد. لیلاز می‌گوید: «مهرماه ۱۴۰۴ به ما توضیح دادند که در جریان مذاکرات نیویورک، به وساطت مکرون، با تیم آمریکایی نشستیم و چانه‌زنی کردیم و به توافق رسیدیم، اما وقتی

این توافق را تیم آمریکایی برد، آن را نپذیرفتند. دوباره بازگشتیم و بار دیگر همان مواردی را که آقای ترامپ خواسته بود، جمهوری اسلامی پذیرفت. این جمله شهید لاریجانی است. توافق را دوباره نزد ترامپ بردند و ایشان گفت: «نه، دوباره بیشترش کنید.» بار سوم و بار چهارم نیز این روند تکرار شد و معلوم شد که جنگ قطعی است»

در این میان در شرایطی که آمریکا محدودیت‌های هیأت ایرانی را بسیار شدیدتر اعلام کرده و تجربه مواضع نابه‌جا جای رئیس جمهور در اجلاس‌های اخیر بریکس در دهلی و اجلاس شانگهای در بیشکک در ماه جاری، ملت ایران را درباره این سفر نگران کرده است. خواست ملت انقلابی ایران این است که در صورتی که کنترلی بر مواضع نسنجیده پزشک‌های وجود ندارد، این سفر الزامی نیست و نباید با تکرار خطاهای بیشکک و دهلی نو، مجدداً فضا را برای سوءاستفاده ترامپ از مواضع ساده‌اندیشانه پزشک‌های فراهم آورد.

در شرایطی که نفت در کانال بالای ۱۰۰ دلار معامله می‌شود و اکنون به واسطه فتوحات انصارالله یمن و کنترل کامل بر تنگه باب‌المندب، ایران و محور مقاومت دست‌بالایی در نبرد با آمریکا، اسرائیل و متحدان منطقه‌ای آنان دارند، و در بازه کمتر از دو ماه منتهی به انتخابات میان‌دوره‌ای مجالس آمریکا، بالا بودن قیمت نفت و انرژی به پاشنه آشیل اصلی ترامپ و جناح جنگ طلب و جنایتکار حامی او بدل شده است، تکرار چنین مواضع نسنجیده‌ای در سایه تسلط اصلاح‌طلبان و برج‌های با‌بروی، می‌تواند تکمیل‌کننده نقشه ترامپ برای فائق آمدن بر قیمت نفت و سوءاستفاده وی از مواضع پزشک‌های برای چندمین بار شود. در چنین شرایطی، هرگونه سفر پرهزینه و بدون دست‌آورد نه تنها کمکی به منافع ملی نمی‌کند، بلکه می‌تواند هزینه سنگینی برای عزت و امنیت کشور به همراه داشته باشد.

سفرهای پرهزینه

یکی از صحنه‌های تأسف بار سفرهای پزشک‌های به نیویورک، درست چند روز پیش از ترور شهید سید حسن نصرالله رخ داد؛ زمانی که نتانیاهو در حال تکمیل هماهنگی‌ها و عملیات فریب سفر خود به نیویورک برای آن ترور بود. در همان ایام، پزشک‌های با موضعی سطحی و نابه‌جا اعلام کرد ایران حاضر است سلاح‌های خود را زمین بگذارد اگر اسرائیل چنین کند. این نگاه ساده‌اندیشانه و تکرار مواضع مشابه پس از حمله ۵ آبان ۱۴۰۳ و جنگ ۱۲ روزه، نگرانی ملت را درباره تسلط او بر گفتارش را تشدید کرده است.

یادداشت

نبرد آخرالزمانی اسرائیل و نسخه شاه سلطان حسین‌ها برای ایران

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

مروری بر ادبیات رسانه‌ای و تحلیلی رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که صهیونیست‌ها جنگ جاری با ایران و مقاومت را صرفاً یک درگیری نظامی دیگر نمی‌دانند؛ بخش مهمی از این ادبیات، جنگ را نبردی تعیین‌کننده برای آینده اسرائیل تصویر می‌کند؛ نبردی که به تعبیر برخی تحلیلگران صهیونیست، نتیجه آن می‌تواند تثبیت موقعیت اسرائیل به عنوان قدرت منطقه‌ای با آغاز روند فروپاشی آن باشد. گزارش اخیر «والا» دقیقاً در همین چارچوب قابل فهم است؛ گزارشی که با استناد به پژوهش اندیشکده MIND Israel تصریح می‌کند: «زمان تصمیم‌گیری فرا رسیده است: یا به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل می‌شویم یا فرو می‌پاشیم». در گزارش شیرلی گولان که ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۴ منتشر شده، تأکید می‌شود اسرائیل در یک نقطه عطف تاریخی قرار دارد و تهدید فقط از بیرون مرزها نمی‌آید، بلکه فرسایش انسجام اجتماعی، کاهش اعتماد به نهادها، مشکلات حکمرانی، تحولات جمعیتی و شکاف‌های داخلی نیز می‌تواند آینده آن را تحت تأثیر قرار دهد. مشارکت حدود ۱۰۰ کارشناس در این مطالعه و تمرکز آن بر شش حوزه راهبردی، نشان می‌دهد مسئله بقا در محافل تحلیلی اسرائیل تا چه اندازه جدی تلقی می‌شود. این گزارش حتی از ناکافی بودن «دیوار آهنین ۱۰۰» سخن گفته و خواستار گذار به «دیوار آهنین ۲۰۰»، تقویت ائتلاف‌های منطقه‌ای و اصلاحات داخلی شده است. معنای روشن این ادبیات آن است که تل‌آویو جنگ با ایران را در چارچوب یک رقابت راهبردی می‌بیند و برای آن، هم‌زمان نسخه نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌پیچد.

در چنین شرایطی، مسئله فقط دشمنی نیست که توان نظامی خود را علیه ایران به میدان آورده است؛ مسئله نوع نگاه به این جنگ است. رژیم صهیونیستی با چنین برداشتی از آینده خود، تمام توانش را برای حذف تهدید ایران به کار گرفته و در صورت فراهم شدن فرصت، از تکرار آن نیز ابایی نخواهد داشت. اما در داخل کشور، صداهایی از جنس نسخه پیچی‌های حسن روحانی و محمد جواد ظریف، مسئله را تا سطح توصیه به عقب‌نشینی و ساده‌سازی میدان تقلیل می‌دهند؛ گویی با دشمنی مواجهیم که با چند امتیاز، از هدف راهبردی خود دست خواهد کشید.

این همان جایی است که هشدار تاریخی رهبر شهید در سال ۱۳۸۷ اهمیت پیدا می‌کند. ایشان با اشاره به سقوط اصفهان در دوره شاه سلطان حسین فرمودند: «آن روزی که شهر اصفهان در دوره‌ی شاه سلطان حسین مورد غارت قرار گرفت و مردم قتل‌عام شدند و حکومت با عظمت صفوی نابود شد، خیلی از افراد غیور بودند که حاضر بودند مبارزه و مقاومت کنند؛ اما شاه سلطان حسین ضعیف بود. اگر جمهوری اسلامی دچار شاه سلطان حسین‌ها بشود، دچار مدیران و مسئولانی بشود که جرأت و جسارت ندارند؛ در خود احساس قدرت نمی‌کنند، در مردم خودشان احساس توانائی و قدرت نمی‌کنند، کار جمهوری اسلامی تمام خواهد بود.» تفاوت نگاه‌ها روشن است: دشمن، نبرد را سرنوشت‌ساز می‌بیند؛ مسئله اصلی آن است که در داخل، چه کسانی این واقعیت را می‌بینند و چه کسانی با ساده‌سازی تهدید، نسخه عقب‌نشینی می‌پیچند.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز:	■ تلفن:
محسن منصوری	۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ مدیر مسئول:	■ کدپستی:
حمیدرضا بیانی	۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ ســـپهبد قـرنی خ شـــاداب پلاک ۲۲ واحد پنج

■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline **nobonyadonline**

n o b o n y a d o n l i n e . i r

سه شنبه ۳۱ شهریور ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۴۰■

●

یادداشت

هزینه‌ای در کار نیست

علی نقدی
روزنامه‌نگار

ظاهراً در سینمای ایران علاوه بر سینمای ناب، یک چیز دیگر هم رسماً منقرض شده است؛ هزینه . نه، منظورمان هزینه تولید و تبلیغات و اکران نیست؛ منظور هزینه رفتارهایی است که در بزنگاه‌های حساس، کشور را هدف می‌گیرو با امنیت ملی بازی می‌کند، اما چند صباح بعد، بدون هیچ توضیح و عذرخواهی و حتی یک تذکر جدی، صاحبش دوباره به چرخه کار برمی‌گردد. نمونه‌اش شهاب حسینی. کسی که در ماجراهای دی‌ماه با مواضع و اظهاراتش در کانون حواشی قرار گرفت، اما حالا قرار است با «بی‌دار» از ۲۲ مهرماه دوباره روی پرده سینما باشد. قرارداد اکران فیلم هم رسماً ثبت شده است.

حالا سؤال این نیست که چرا شهاب حسینی کار می‌کند: سؤال این است که اساساً چه چیزی قرار است برای چنین رفتارهایی نقش بازدارنده داشته باشد؟ اگر قرار بوده مواضع او هیچ اشکالی نداشته باشد، پس این همه جنجال برای چه بود؟ واگراشکالی داشته، تکلیف آن چه شد؟ چه کسی پاسخ خواست و چگونه شخص دیگری پاسخگو شد؟ یا قرار است حافظه مدیران فرهنگی آن قدر کوتاه باشد که هر اتفاقی نهایتاً تا رسیدن فصل اکران دوام بیاورد؟

حسینی البته فقط یک مورد است. مسئله اصلی، نبودن سازوکاری است که به بقیه هم بفهماند رفتار علیه منافع کشور بی‌هزینه نیست.

خب معلوم است وقتی رفتارهای ضد ملی هزینه نداشته باشد امثال محسن قرائی نیز هوای بازگشت به سینما را داشته باشند. تصور کنید کسی در روز نهم اسفند به رهبر شهید توهین کرده باشد ولی همچنان امید به بازگشت به سطح حرفه‌ای سینمای ایران را در سر دارد. حالا سؤال ما اینجااست: اگر کسی بتواند برای دور زدن سازوکار رسمی فرهنگ، آن‌طور که خودش می‌گوید، فیلمنامه جعلی ارائه کند و بعد به رهبر شهید و کشور توهین کند و بعد همان فیلم را در یک جشنواره مهم خارجی به نمایش بگذارد و روی بحران کشور موج‌سواری کند، دقیقاً چه چیزی قرار است مانع تکرار این مسیر شود؟

وقتی هنرمند حساب کند که نهایت هزینه موضع‌گیری یا عبور از خطوط قرمز، چند روز و چند ماه حاشیه است و بعد دوباره درهای کار و اکران و جشنواره به رویش باز می‌شود، دیگر از بازدارندگی خبری نیست.

مسئله چیزی فراتر از برخورد قهری است؛ مسئله این است که قانون، مسئولیت و هزینه باید برای همه معنا داشته باشد. وگرنه چرا نفر بعدی نباید همان راه را برود؟ وقتی تخلف بی‌هزینه شود، تکرار آن دیگر عجیب نیست؛ طبیعی است.

چرا هالیوود نمی‌تواند درباره ایران فیلم خوبی بسازد؟

هالیوود و ایران؛ روایت یک شکست!

سیا است که بعد از شکست در افغانستان، برای عملیاتی پرمخاطره در تهران دست‌به‌کار می‌شوند. اما ماجرا همین‌جا تمام نمی‌شود؛ مایکل بی هم فیلمی درباره عملیات نجات دو خلبان آمریکایی در جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل در دست ساخت دارد. واقعیت این است که سینمای هالیوود هیچ‌وقت شناخت درستی از ایران و مناسباتش نداشته و همین ناآگاهی، ریشه اصلی شکست پی‌درپی این فیلم‌هاست.



سعید مصباح

روزنامه‌نگار

فیکس به کارگردانی گای موشه و با بازی زکری لی‌وی در نقش «تاکر» و لیام نیسون در نقش «لری»، گروهی از مأموران سرخورده سیا را روایت می‌کند که پس از یک مأمریت ناکام در افغانستان، راهی تهران می‌شوند تا عملیات نجاتی پرمخاطره را به سرانجام برسانند. نوید نگهبان در نقش یک مقام عالی‌رتبه ایرانی ظاهر شده و الناز نوروزی نقش «زارا» را بازی می‌کند. فیلم با بودجه‌ای قابل توجه و ۱۴۱ دقیقه زمان اکران، قرار بود ترکیبی از اکشن، ژانر سرقت و یک پیام انسانی باشد؛ اما منتقدان چیز دیگری دیدند. واژه‌هایی مثل غیرقابل‌ب‌اور، کسل‌کننده، بیش‌از‌حد طولانی و پراز پیچش‌های داستانی مضحک، بیشترین بسامد را در نقدها داشتند. جالب اینجااست که با وجود این نمره فاجعه‌بار از سوی منتقدان، مخاطبان عادی نمره‌ای در حدود ۸۲ درصد به فیلم داده‌اند؛ شکافی که نشان می‌دهد این‌جور فیلم‌ها اصلاً برای مخاطبی که چیزی از ایران واقعی می‌داند ساخته نمی‌شوند، بلکه برای تماشاجری طراحی شده‌اند که ایران را فقط از پشت عینک هالیوود می‌شناسد و آنچه را پیش‌ت. به خوردش داده‌اند بسیار دوست دارد. مشکل اصلی همین جاست: سینمای آمریکا هیچ شناخت واقعی‌ای از ایران، فرهنگش، لهجه‌ها، خیابان‌ها و حتی منطق سیاسی‌اش ندارد.

فیلم‌سازی که تهران را فقط از روی نقشه یا گزارش‌های خبری می‌شناسند، طبیعتاً یا شهر را با یک لوکیشن‌رنگ‌پریده جایگزین می‌کنند، یا شخصیت‌های ایرانی را در قالب دو کلیشه محدود می‌ریزند: مقام نظامی ش‌رور یا قربانی منتظر نجات از سوی قهرمان غربی. نتیجه، آثاری می‌شود که نه‌از نظر بصری قانع‌کننده‌اند، نه‌از نظر روایی صادقانه، و نه حتی از نظر سیاسی دقیق. همین ناآگاهی ساختاری بود که «فیکس» را هم به سرنوشت آثار مشابه قبلی‌اش دچار کرد.

اما این پایان ماجرا نیست. مایکل بی، کارگردان پرکار و همیشه‌همراه نهادهای نظامی آمریکا، قرار است فیلمی درباره عملیات نجات دو خلبان آمریکایی بسازد که در جریان جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل، جنگنده‌شان در آسمان ایران سرنگ‌خون شد. این پروژه با همکاری یونیورسال و یراساس کتابی از

گزارش کوتاه اسکار تان

از دهن نیفتد آقایان!

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

با توجه به اینکه حدود ده روز تا پایان مهلت معرفی نماینده سینمای ایران به اسکار باقی مانده است، به نظر می‌رسد فیلم‌های متقاضی برای اکران کوتاه‌مدت وارد چرخه نمایش شده‌اند. بر این اساس، فیلم دانه‌های انگور، ساخته ابراهیم ابراهیمیان با بازی رضا عطاران و نوید محمدزاده و تهیه‌کنندگی ابراهیم عامریان، اکران خود را طبق آنچه در سمفا ثبت شده، از امروز بیست و نهم شهریورماه به‌شکل بی‌سروصدا و تنها در یک سالن سینمایی آغاز کرده است. همچنین در شورای صنفی نمایش، موضوع اکران محدود فیلم سرزمین فرشته‌ها به کارگردانی بابک خواجه‌پاشا مطرح است و این اثر با موضوع کودکان غزه قرار است برای شرکت در کمیته معرفی فیلم به اسکار روی پرده رود. حتی این امکان وجود دارد که فیلم غذای نیمروز، اثر جدید مجید مجیدی هم به عنوان نماینده ایران در اسکار مطرح شود.

اما باید گفت براساس قوانین جدید آکادمی علوم و هنرهای سینمایی، پذیرش فیلم در بخش بین‌الملل منوط به ارسال آن از طرف نهادهای رسمی سینمایی در کشور مبدأ نیست که همین مسئله تماماً به ضرر سینمای داخل تمام می‌شود. این یعنی آکادمی ممکن است دست سینمای زیرزمینی را برای حضور در بخش غیرانگلیسی‌زبان این مراسم در قالب نماینده رسمی ایران باز بگذارد و جریان رسمی که با مرارت و همنطور گذر از سد پروانه ساخت و نمایش کار می‌کند را نادیده بگیرد.

مضاف بر این، حضور در اسکار و کسب جوایز متعدد تاکنون چه کارکردی برای بازیگران سینمای ایران جز قبول معیارهای آمریکایی و اروپایی و کاربست آن‌ها در متن فیلم‌ها داشته است؟ مطلقاً هیچ. حضور در این رویداد دردی از ما دوا نمی‌کند و اینکه خیلی‌ها دوست دارند در آن حضور داشته باشند تنها به منافع شخصی‌شان بازمی‌گردد. درحالی‌که این رقابت فقط باعث می‌شود معیارهای غربی را بدون آن که منافع و تفکر ما را بازتاب دهد به‌راحتی بنذیریم و اسب تر‌وای آمریکا و اروپا را به داخل ایران‌شهر راه دهیم. در واقع این جشن‌ها و جشنواره‌ها تنها یک سراب بزرگ برای کسانی هستند که تصور می‌کنند با دیده شدن در این رویداد‌ها به موفقیت واقعی دست پیدا خواهند کرد، اما باید گفت که واقعیت چیز دیگری است. سینمای ما نیازمند توجه درونی و حل مشکلات اساسی خود است، نه خیره شدن به ویت‌ترین‌های خارجی. این مسئله باعث اتلاف وقت و انرژی هنرمندان ما خواهد شد و در نهایت هیچ سود واقعی برای بدنه اصلی این‌مدیوم نخواهد داشت.



سیلوستر استالونه، ستاره افسانه‌ای فیلم‌های «راکی»، به‌تازگی فاش کرده که پیشنهاد دونالد ترامپ برای پذیرش عنوان «سفیر ویژه» در هالیوود را قاطعانه رد کرده است. با وجود اینکه ترامپ در ژانویه ۲۰۲۵ با افتخار اعلام کرده بود استالونه، مل گیبسون و جان وویت مأموریت دارند

راکی رویای سینمایی ترامپ را نقش برآب کرد